

فصلنامه کانون فوج هسنگ ایرانیان کارولینای شمالی

پیوند



PEYVAND
THE SEASONAL LETTER OF
THE IRANIAN CULTURAL SOCIETY OF NC

نامه سردبیر



اعضای هیئت مدیره کانون ایرانیان کارولینای شمالی وقتی پیشنهاد مرا در مورد چاپ این نشریه شنیدند از این انگاره استقبال فراوان آورده و مرا تشویق کردند. انگیزه چاپ این فصلنامه باز نگاه داشتن فرهنگ ایران و ایجاد اتحاد و نزدیکی بین ایرانیان ساکن کارولینای شمالی است.

برای دادن هویت به این نشریه من تصمیم گرفتم نامی برای آن انتخاب کنم. فکر کردم عقیده خوبی است اگر اسم پرنده کارولینای شمالی "کاردینال" را انتخاب کنیم و به این شکل علاقه و احترام خود را به کشور دوم خود ابراز نمائیم. ولی متوجه شدم که ترجمه این کلمه به زبان فارسی "کاکل قرمزی" اسم جالبی برای یک نشریه نیست. این مشکل را با اعضای هیئت مدیره در میان گذاشتم و بعد از پیشنهاد چندین نام دیگر همگی به اسم "پیوند" رای دادیم.

"پیوند" مظهری از هدف های کانون ایرانیان در کارولینای شمالی و انتشار این فصلنامه است. ایجاد کردن همبستگی، همزیستی، و روابط مثبت بین اعضای کانون در رشد این جامعه کمک زیادی خواهد کرد.

تعداد زیادی از اعضای کانون انرژی، استعداد، و وقت خود را برای تهیه این فصلنامه با نهایت فروتنی به "پیوند" اهدا کرده اند چون این همبستگی یکی از هدف های مهم اعضای هیئت مدیره است.

جامعه ما (نسل اول، نسل دوم و همسران غیر ایرانی) با مبارزات فراوان در زندگی روبرو شده اند. ولی این مبارزات ما را انسان های نیرومند تر و پخته تری کرده است. با همبستگی و همکاری با یکدیگر، با دوستی و تحسین صفات خوب همدیگر به جای انتقاد از یکدیگر، ما میتوانیم جامعه نیرومند تر و سالم تری برای خود و فرزندانمان ایجاد کنیم. به امید روزهای شاد و موفق، این فصلنامه را به شما هدیه می کنم.

دکتر شهلا باقری

Letter from the Editor

It is with great pleasure that I am introducing the inaugural print version of the ICSNC newsletter. ICSNC board members were enthusiastic and encouraging when I proposed the idea of publishing a print version of our newsletter in addition to our extensive and informative web version. The intention behind having a newsletter is to preserve the Persian culture and to provide an entertaining and informative tool for ICSNC members to enhance our common interests.

In order to give our newsletter an identity, I needed to select an appropriate name. Initially, I thought it might be good to use the name of the state bird of North Carolina, the cardinal, to emphasize our love for our new home. However, the Persian equivalent, "Kaakol Ghermezi," did not prove to be a smooth sounding title for a newsletter! I discussed this dilemma with board members and suggested several other possible names. After some debate, the board voted unanimously for "Peyvand."

Peyvand (transplantation, graft, scion, connection) communicates best what we would like to accomplish through the ICSNC and this newsletter. Connection, togetherness and positive relationships will strengthen the Iranian community allowing it to grow and to be more productive. Much hard work and cooperation has gone into producing "Peyvand" by ICSNC members who have selflessly donated their time, energy and talent to give you this gift because we believe in this cause.

Our community has much to be proud of. Many of us first generation Iranian Americans have conquered many challenges while the second generation have faced their own unique trials and have been successful. The non-Persian spouses have had to deal with and adjust to a new culture. Together, we can be a vast ocean of positive energy, knowledge and productivity if humanity and love become the fuel to drive this engine, enabling us to reach for the stars.

Shahla Bagheri, MD

دکتر افسانه ربیعی و اختراع جدیدی در صنعت فلز

نوشته دکتر شهلا باقری

It Takes a Woman Dr. Afsaneh Rabiei and Her New Invention

By Shahla Bagheri, M.D.

For thousand of years, men have been working with metal to make it harder, tougher, and stronger. But it was a woman, Dr. Afsaneh Rabiei, a renowned scientist and professor of Mechanical, Aerospace and bio-medical engineering at NC State University, whose invention of a sponged form of metal, was the scientific breakthrough. By observing structures in nature, such as leaves, feathers and bone, Rabiei made metal fluffier, and her invention promises to save lives and energy.

When I visit her office, Dr. Rabiei's slim figure is adorned by a beautiful floral skirt, a black sweater set and bright red sandals—clearly more than a typical fashion statement. Having earned a PhD and a post-doctorate degree in Engineering, Rabiei works in a world dominated by men, and takes pride in her femininity. Her office is bright and inviting, and photographs of her family members next to the samples of her work and invention represent her complex character.

Rabiei was born in Tehran and grew up in a close knit, loving family that encouraged her to reach the highest level of education possible. As the first born, she was a leader and role model for her younger brothers and sister, a role that in some ways prepared her to lead the team of the scientists who work with her today.

It was during a high school field trip visiting a car company when Rabiei first became interested in engineering and realized how powerful human could be to take metal out of a piece of rock and change it into any shape and form. After high school, Rabiei began studying engineering in the department of material science and engineering at Sharif University. With only few female students, Rabiei commenced a professional life dominated by men.



برای هزاران سال مردان زیادی در صحنه علم و صنعت تلاش کرده اند تا فلزات سخت تر و محکمتری بسازند. اما در این میان یک زن ایرانی بود که توانست با اختراع قوی ترین فلز اسفنجی از جنبه نرمی و انعطاف پذیری فلزات استفاده بهینه کرده و به پیشرفت غیر منتظره ای در صحنه علم و صنعت دست یابد. این خانم، دکتر افسانه ربیعی، دانشمند نامدار و پروفیسور دانشگاه مهندسی مکانیک و هوا فضایی در دانشگاه ایالت کارولینای شمالی می باشد.

آنطور که خود ایشان میگویند: "دانشمندان با مشاهده پر پرند گان و ساختمان داخلی برگها و استخوان جانداران به ایده ساختن فلزات اسفنجی رسیده اند، ولی فلزات اسفنجی اولیه از استحکام کافی برخوردار نبودند." پس از مطالعات بسیار و آزمایشات پی در پی، دکتر ربیعی به این ماده دست یافته و توانستند فلزاتی در عین سختی، بسیار محکم، سبک، و انعطاف پذیر اختراع کنند.

انتظار میرود که این اختراع بتواند هم به زندگی انسان و هم به استفاده بهینه از انرژی کمک بسیاری نماید.

وقتی در دفتر کار دکتر ربیعی به ملاقاتشان رفتم، ایشان دامنی گلدار و یک بلوز مشکی زیبا و کفش قرمز روشن بر تن داشتند. که از خوش سلیقه بودنشان حکایت داشت. خانم ربیعی با داشتن دکترای فوق دکترای در رشته مهندسی در حفظ خصوصیات زنانه خود تاکید بخصوص دارند و این در حالی است که ایشان در دنیایی کار میکنند که همیشه مردان بر آن تسلط داشته اند. شخصیت غنی و پیچیده ایشان را می توان در دفتر کار خوشایند شان مشاهده کرد. در این اتاق روشن و دلپذیر عکس های خانوادگی ایشان را می توان در کنار قطعاتی از اختراعات مختلفشان ملاحظه نمود.

دکتر ربیعی در تهران به دنیا آمده و در کانون خانواده ای گرم و با محبت که همیشه مشوق فرزندانسان در کسب بالا ترین درجات علمی بوده

دکتر افسانه ربیعی (ادامه)

1980 saw all of the universities in Iran closed for two years, but the young Rabiei was far too restless to stay home and watch her life pass by. She started translating a 600-page book, "Engineering Physical Metallurgy" from English to Persian. It wasn't much later that universities reopened, and normal life could resume for Rabiei. Upon returning to class, Rabiei discovered that the book she had translated became one of the reference books used in the university. Not surprisingly, she completed her studies with highest honors and began work as an engineer in the field of material science and engineering.

Rabiei's reputation as an outstanding engineer led to a unique opportunity to earn her PhD in Japan. Rabiei applied to over 25 universities, and to her amazement in her characteristic humble manner, she was accepted into all of them. She chose the prestigious University of Tokyo, where she confronted new challenges.

Learning the Japanese language and studying not only in a male dominating subject, but also in a male dominating country like Japan was a new challenge and at the same time an arduous task. But she says it was hard working and believing in herself that propelled her success. She had spent many days and nights at the lab, returning home at three or four in the morning, or sometimes never making it home and even staying in the lab two days in a row. Arriving home before 11:30 pm, a rarity, would shock and excite her friends. After three and a half years not only she earned her PhD with an honor, but also she was invited to multiple position around the globe for a post-doctorate fellowship. She picked Harvard University.

At Harvard, Rabiei worked in the Division of Engineering and Applied Sciences with many well-known researchers in the field and soon she met her future husband at a Nowruz party. After three years research at Harvard, the new couple moved to North Carolina when Rabiei was offered a faculty position at the Department of Mechanical and Aerospace Engineering at NCSU and soon after they were blessed when their new baby girl was born in 2001.

اند، بزرگ شدند. به عنوان فرزند اول خانواده، ایشان رهبر و الگوی خوبی برای خواهر و برادران کوچک تر خود بوده و ظاهرا این نقش ایشان را برای رهبری محققینی که امروز با او کار میکنند آماده تر کرده است.

دکتر ربیعی برای اولین بار در دوره دبیرستان و در حین یک گردش علمی از کارخانه ماشین سازی اراک بود که به رشته مهندسی علاقمند شد. ربیعی جوان در این بازدید به قدرت انسان که چگونه فلزات را از دل سنگ بیرون آورده و به هر شکل و فرمی در می آورد پی برد و شیفته آن شد.

با شروع تحصیل در دانشکده مهندسی مواد و متالورژی دانشگاه صنعتی شریف همراه با تعداد معدودی دانشجوی دختر دیگر، خانم ربیعی پا به دنیایی گذاشت که تا امروز فقط مختص مردان بود.

در سال 1980 که دانشگاه های ایران به مدت دو سال بسته شدند، افسانه ربیعی که پر توان تر از آن بود که در خانه به تماشای گذشت زمان بنشیند، به ترجمه یک کتاب 600 صفحه ای تحت عنوان "مهندسی متالورژی فیزیکی" پرداخت و این کتاب را از انگلیسی به فارسی ترجمه نمود. این کتاب پس از باز گشایی دانشگاه های ایران بلافاصله به چاپ رسید و به عنوان یکی از کتب مرجع در اغلب دانشگاه های کشور مورد استفاده قرار گرفت. این در زمانی بود که خود ایشان هنوز تحصیلات دانشگاهی خود را میگذرانید و در بسیاری از کلاسهای دانشگاه، کتاب خود ایشان به عنوان مرجع مورد استفاده قرار می گرفت. افسانه ربیعی پس از اتمام تحصیلات خود و اخذ مدرک مهندسی، در صنایع ایران شروع به کار کرد. شهرت ایشان به عنوان یک مهندس برجسته، موقعیت منحصر به فرد ادامه تحصیل در کشور ژاپن را برای ایشان به وجود آورد. وی که از 25 دانشگاه در ژاپن پذیرش تحصیلی همراه با بورسیه داشت، دانشگاه معتبر توکیو را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد.

برای ربیعی جوان یاد گیری زبان ژاپنی و تحصیل در رشته مهندسی در کشوری مانند ژاپن با تاریخ دیرینه مرد سالاری چالشی تازه به شمار می آمد. اما به قول خود ایشان سخت کوشی و اعتماد به نفس رمز موفقیت ایشان بود. او روز ها و شیبهای زیادی را تا بامداد در آزمایشگاه کار می کرد و حتی گاهی دو شبانه روز در آزمایشگاه می ماند و به تحقیقاتش ادامه میداد. در این اوقات اگر تصادفاً روزی قبل از نیمه شب به خانه باز می گشت، دوستان و اطرافیانش تعجب زده می شدند.

سر انجام پس از سه سال و نیم کار مداوم، ایشان به اخذ مدرک دکترای با درجه ممتاز نائل گردیده و از چندین دانشگاه معتبر اروپا و آمریکا برای گذراندن دوره فوق دکترای دعوت به کار شدند. ایشان دانشگاه هاروارد را انتخاب کردند.

دکتر ربیعی در دانشگاه هاروارد در بخش مهندسی و علوم کاربردی با پژوهشگران بسیار معروفی شروع به کار کرده و به زودی در جشن نوروز ایرانیان هاروارد با همسر آینده خود آشنا شد. پس از سه سال تحقیق در هاروارد، به کارولینای شمالی نقل مکان کرده و در دانشکده مکانیک و هوا فضایی این دانشگاه به عنوان استاد کار خود را آغاز نمودند.

در سال 2001 خداوند دختر کوچکی به این زوج جوان اعطا کرد. افسانه

دکتر افسانه ربیعی (ادامه)

ربیعی این تجربه را بزرگترین و با ارزش ترین دستاورد زندگی خود می خواند. دکتر ربیعی معتقد است که کودکان را باید از همان کودکی و زمانیکه هنوز تأثیر پذیر هستند با رشته مهندسی آشنا کرد و بذریعۀ اشتیاق را در ذهنشان کاشت. به همین دلیل ایشان فعالیت گسترده ای را در زمینه آشنا سازی کودکان با رشته های مختلف مهندسی شروع کرده و در این زمینه ضمن همکاری با اولیای مدرسه دخترشان بر علاقمند کردن دختران به رشته مهندسی تأکید خصوصی دارند.

در دانشگاه کارولینای شمالی، دکتر ربیعی موفق به اختراع فلز اسفنجی و همچنین پوششهای جدیدی برای کاشت استخوان، دندان و ستون فقرات شده است. ایشان می گوید که هدف اصلی اش از کلیه این تحقیقات و اکتشافات کمک به نسل بشر و نجات جان انسانهاست. در حالیکه فلزات اسفنجی ایشان میتواند انرژی ضربه ناشی از تصادف را به خود جذب کند و جان سرنشینان اتومبیل، قطار و یا اتوبوس را نجات دهد، پوششهای استخوان، دندان و ستون فقرات اختراع ایشان می تواند جان بیماران را نجات داده و در کوتاه کردن دوره نقاهت آنها تأثیر پذیر باشد.

دکتر ربیعی می گوید اگر یک سرنشین اتومبیل به خاطر استفاده از فلز اسفنجی من جان سالم از صحنه یک تصادف مرگبار بیرون ببرد من به هدف نهائی خودم در زندگی رسیده ام. ایشان خوشبختی را در کمک به هم نوعان خود میدانند و معتقد است که رمز موفقیت او در زندگی درست کوشی، اعتماد به نفس، پشتیبتی خانواده و داشتن مربیان ماهر بوده است.

وقتی پس از مصاحبه با دکتر ربیعی و شنیدن داستان زندگی از دانشگاه خارج میشدم به این فکر میکردم که این یک زن بود که توانست استحکام را در نرمش و انعطاف پذیری پیدا کند. به نظر میرسد که اختراع فلز اسفنجی تجلی شخصیت توانا، با پشتکار و قوی ولی در عین حال لطیف، مدد یار و خوشایند دکتر ربیعی است که به فرم این اختراع ظاهر شده است. ما همه میتوانیم با توجه به افکار، کارها و هدف های زندگیمان به تجلی درونی خود پی ببریم.

نوشتۀ: دکتر شهلا باقری

ترجمه به فارسی: خاتم ایران طهماسبی



It Takes a Woman (continued)

Becoming a mother is an experience Rabiei describes as "my yet another PhD and the most valuable one." She has been highly involved with her daughter's school, even volunteering to create an engineering program for it. Dr. Rabiei believes that children should get exposed to the field of engineering when they are young and impressionable, and can be molded for the field of engineering.

At NCSU, Rabiei's hard working lead into multiple inventions such as creation of Composite Metal Foams, or novel smart coatings for dental, spinal and orthopedic implants. These inventions helped her to become closer to her lifetime goal—"saving lives". The creation of composite metal foam, one that can absorb the impact energy of an accident, or new material that can save patients from infection, reoccurrence of implantation surgery and so on. She said: "If my metal foam lets someone walk away from a crash, then I've done my job."

Dr. Rabiei considers herself lucky to have such opportunities to help human. She believes that the forces that helped her succeed have been motivation, hard working along with the support from family and great mentors. She is always planning, thinking, coming up with new ideas, and multi-tasking.

As I leave NC State University, having enjoyed listening to Rabiei share her story with me, it dawns on me that it took a woman to find strength in flexibility and lightness. Though this discovery came from metal, it was as if Rabiei found the physical expression of her inner self; a combination of strength, discipline, femininity, creativity, and remarkable intelligence, similar to the molten metal burning within her.

It makes me think that all of us can and do find a physical expression of our own inner selves, too.

Read more about Dr. Afsaneh Rabiei at http://www.mae.ncsu.edu/rabiei/online_NEWS_articles/America_gov_article.html

استقبالیهای حافظ از سعدی



در این اشعار حافظ مصرع یا بیتی از سعدی را عیناً نقل قول کرده است:

حافظ: جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را
سعدی: جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب که مهربانی از آن طبع و خو نمی آید

حافظ: چون چشم تو دل می برد از گوشه نشینان همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست
سعدی: دنبال تو بودن گنه از جانب ما نیست با غمزه بگو تا دل مردم نستاند

حافظ: حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی من از آن روز که در بند توام آرام
سعدی: من از آن روز که در بند توام آرام پادشاهم که به دست تو اسیر افتادم

حافظ: غیر از این نکته که حافظ ز تو نا خشنود است در سرپای وجودت هنری نیست که نیست
سعدی: در سرپای وجودت هنری نیست که نیست عیب آن است که بر بنده نمی بخشایی
برای اطلاعات بیشتر لطفاً به <http://ganjoor.net> مراجعه کنید.

Peyvand is a quarterly newsletter published by the Iranian Cultural Society of North Carolina.

Editor: Shahla Bagheri, M.D.

Contributors: Majid Roohafza, Shahrzad Afshinpoor, Karen Yahyapoor,

Dr. Mohammad Ali Bathaee, Maryam Tabib Zadeh

Honorable Mention: Habib Jabarzagdegan, Shahram Montazeri, Fred Moosavi, Nazi Kite

Calligraphy on page 7: By Dr. Parviz Baghai, Pittsburgh, PA

Many heartfelt thanks to the ICSNC board : Kazem Yahyapour, Maria Thoenen, Mehdi Emamian, Shahrzad Afshinpoor, Moujan Khoram, Ali Khoram, Kathy Salamati,

Special thanks to Shahrzad Afshinpoor for the countless hours she dedicated to the production of this newsletter.



Carolina Real Estate Coalition
Fariba Kamrani - Broker, GRI
919.619.3609 FKamrani@fmrealty.com



* Residential & Investment
* Short Sale & Auctions
* Property Management



Auto Dealers Investments, Inc.

Your eyes are not the only important part of seeing things. The eyes see images and send them to the visual center in the brain for interpretation. When looking at optical illusions, the eyes are recording an image that the brain misinterprets. The brain likes to group things into patterns of familiar forms. It is always comparing things with its experience and knowledge of the world. In this triangle illusion, there are no triangles, only lines and circles. But the brain likes to group things together. Therefore, you see a white and a black triangle which were not drawn.



Shahrzad
AFSHINPOUR

Realtor, Broker, GRI, SFR, ASP, SERS

safshin@kw.com, 919-616-6166

WWW.IStageAndSell.com

The Realtor You Can Trust!



خاطراتی از
شهریار

شهریار، شاعر نامدار ایرانی در سال 1383 شمسی در تبریز به دنیا آمد. آقای حبیب جبارزادگان یکی از اعضای کانون، خواهر زاده شهریار می باشد و از 15 سالگی در خانه ایشان زندگی کرده و خاطرات فراوان از این مرد بزرگ دارد. یکی از خاطرات فراموش نشدنی ایشان روز هائی است که ابوالحسن صبا، تهرانی و علی فرقانی به خانه شهریار می آمدند و در زیر زمین مجلس بزم راه می انداختند. صبا ویلن میزد، تهرانی ضرب می گرفت و فرقانی آواز می خواند. نام اصلی شهریار سید حسین بهجت تبریزی است. شهریار حافظ را خیلی دوست داشت. وقتی که میخواست تخلص خود را انتخاب کند تصمیم گرفت فال حافظ بگیرد. کلمه "شهریار" در فال او آمد. ولی چون ایشان مرد فروتنی بود فکر کرد که این کلمه خیلی بزرگ نام است و یک فال دیگر گرفت. کلمه شهریار باز تکرار شد. ایمان او به حافظ شیرازی باعث شد که این نام را به تخلص خود انتخاب کند. یکی از معروفترین اشعار شهریار که همه بینندگان برای عشق بزرگ و از دست رفته اش، سالها بعد از جدائی و ملاقات دوباره او، سروده شده:

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا	بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا
نوشداروئی و بعد از مرگ سهراب آمدی	سنگدل این زود تر می خواستی حالا چرا
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست	من که یک امروز مهمان توام فردا چرا
نازنینا ما به ناز تو جوانی داده ایم	دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا
وه که با این عمر های کوتاه بی اعتبار	اینهمه غفل شدن از چون منی شنید چرا
شور فرهادم بیرسش سر به زیر افکنده بودی	ای لب شیرین جواب تلخ سر بالا چرا
ای شب هجران که یک دم در تو چشم من نخفت	اینقدر با بخت خواب آلود من لالا چرا
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند	در شگفتم من نمی باشد ز هم دنیا چرا
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین	خامشی شرط وفاداری بود غوغا چرا
شهریارا بی حبيب خود نمی کردی سفر	این سفر راه قیامت میروی تنها چرا

ایک نئی نئی

روایاتی دیگر

اشعاری از: دکتر محمد علی بطحانی

15 دلار چاب سوئد

تلفن: 919-469-3843

8



MUSTACHE
CAFE

Variety of Kababs, Fresh basmati rice,
Salads. Bread and more.

Come and enjoy our warm and relaxing space with our wonderful food

Catering available for all occasions.
Hold your party at our place Free when you
order our food

108-A Factory Shops Rd. Morrisville NC
Telephone: (919) 650- 3014
www.moustachecafenc.com

نثانی

خانہ دوست کجاست ؟

در فلق بود که پرسید سوار

آسمان کلمتی کرد

رہگذر شاخہ نور ہی کہ بہ لب داشت بہ تاریکی شن ہا بخشد

و به آنکشت نشان داد سیداری و گفت:

نرسیده به درخت

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است

و در آن عشق به اندازه ی رهای صداقت آبی ست

می روی تاته آن کوجیه که از پشت بلوغ سر به در می آرد

پس بہ سمت گل تھائی می بھی

دو قدم مانده به کل

یای فواره جاوید است طیرین می مانی

و ترا ترسی شفاف فرامی گزرد

در صمیمت سال فضا خشر خشم می شنوی

کودکی میں

زقنه از کاج بلندی بالا جوهر بردار و از لانه نور

واز اومی پرسی

خانہ دوست کجاست ؟

سحراب سپهری

یادی از دوست شاعر و طنزپرداز نازنینمان
عمران صلاحی
 به قلم دکتر محمد علی بطحانی

جویبـــــاریم و روان اندر زمان
 تا دل دریای عشق بیـــــکران
 هر دم از سرچشـــــمه، نوها آوریم
 خیزخیز و اندک اندک بـــــگزینیم
 بگزریم آســـــان کنار صخره ها
 بـــــگزینیم از پیچ و تاب درّه ها
 صـــــخره ها و درّه های زندگی
 درس و مشق و دوره بالندگی
 از زمان بـــــی زمانی تا کنون
 سالـــــها، نوروزها و بـــــس قرون
 بی تـــــمّل، راهـــــها پیموده ایم
 چین پیشانی بـــــه مشکل سوده ایم
 راه جنگل بود یا بـــــستـــــر شنی؟
 معبـــــر تاریک یا در روشنی؟
 نرمشی کردیم و بگدشتیم شاد
 قطره ها بـــــی وقفه در دریا فتاد
 قطره دردریاست او، کی مـــــرده است
 ره به دریا بـــــهر جو گســـــترده است
 جوی باش و همچون "عمران" دلیر
 با سلاح عشق شو دریای پیـــــر
 دل به آدمـــــها صلاحی داده بود

او چو یارانش بـــــی آزاده بود
 سالـــــها با "مـــــزوی" اخلاص بود
 "بیزن و شاپورش" چون الماس بود
 "آنتنی" در جانش آتش برفروخت
 جامه ای از مهر "سیمین" هم بدوخت
 همراه "توفیق" بس توفیق یافت
 "شعر نو" را مایه تشویق یافت
 روز او هـــــر روز نو بود و جوان
 چون که راهش بود راه بـــــخردان
 مژدهـــــی نوروز بر نوع بشر
 این چنین آید هـــــمه ساله به بر
 از گدشتـــــه یاد کن، ارزش بدار
 آنچـــــه را تاریخ کرده روزگار
 بـــــهر روز نو قدم بگذار پیش
 با محبت آب ده گلـــــزار خویش
 چون که پیوستی به دریای وجود
 فارغی از بحث این بود و نبود
 بگذر از آن لایـــــه های تکروی
 چون به دریا میـــــروی، دریا شوی
 در مـــــکانی بی مکان، دریای دل
 جای "عمران" است نک در طین و گل
 سنت دیرین چنین آرـــــد بـــــه یاد
 مر روانش شاد باد، "عمران" شاد.

ایرانیها چگونه انگلیسی صحبت
 میکنند؟

آیا می دانید کسانی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم صحبت میکنند غالباً "الگوی صدائی" sound pattern زبان مادری خود را نا خود آگاه در زبان دوم به کار میبرند؟ به این دلیل لهجه مردم کشور های مختلف را به آسانی میشود تشخیص داد.

فارسی زبانان ممکن است متوجه نباشند که در ابتدای هیچ کلمه فارسی " حروف بی صدای گروهی: consonant clusters" وجود ندارد. به این دلیل تلفظ کلمات انگلیسی که با دو یا سه حرف بی صدا شروع میشود گاهی برای ایرانیان مشکل است.

مثلاً فارسی زبانان کلمه "spring" را که با سه حرف بی صدا "spr" شروع میشود گا می "es-per-ing" و "Christmas" را که با دو حرف بی صدا شروع میشود "ke-ris-mas" تلفظ میکنند.

چون در زبان فارسی " گروه حروف بی صدا" در ابتدای کلمات وجود ندارد فارسی زبانان ناخودآگاه این مشکل را با گذاشتن "eh" بین حروف بی صدا حل میکنند.

www.elementalenglish.com



How Iranians Speak
 English

Did you know?

Speakers who communicate in English as a second language often bring the sound patterns of their first language into English. This is why accents of speakers from the same country are so consistent.

Native Farsi speakers may not realize that, unlike English, there are no "consonant clusters" in the beginning of words in Farsi. That is why pronouncing words in English that begin with two or three consonants together presents a challenge to some Iranians.

For example, "spring" which begins with three consonants [spr], is sometimes pronounced by Iranians as "espe-ring". Or "Christmas", which begins with the consonant cluster [kr] is said, "Ke-ris-mas".

Because there are no consonant clusters at the beginning of words in Farsi, the Iranian communicator's natural and unconscious solution is to place an "eh" [ε] sound between the consonants.

For more insight and tips about English pronunciation, please visit: ElementalEnglish.com.

On the Cover : Poem by Hakim Ferdowsi

"For thirty years, I endured much pain and strife

with Persian I gave the Ajam verve and life"

روی جلد : شعر از حکیم ابوالقاسم فردوسی

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

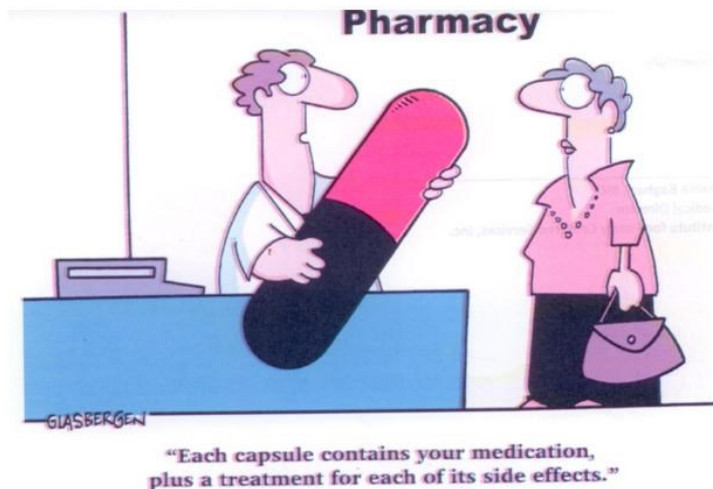
انتخابات در آمریکا
 چرا نوامبر، چرا سه شنبه؟

انتخابات کشور آمریکا هر سال در ماه نوامبر و در روز سه شنبه انجام میشود. انتخاب این تاریخ به سال 1845 برمی گردد. در آن سال، کنگره آمریکا تصمیم گرفت که یک تاریخ مشترک برای همه ایالت ها انتخاب کند. در آن زمان، آمریکا یک جامعه کشاورزی بود. در نتیجه کنگره ماه نوامبر را انتخاب کرد که بعد از زمان درو کاری و قبل از شروع سرمای زمستان است. روز سه شنبه را هم بر گزیدند زیرا در آن زمان مردم با کالسکه و اسب سفر می کردند. در نتیجه مردم میتوانستند روز یک شنبه به کلیسا بروند. روز دوشنبه سفر کرده و به مرکز فرمانداری برسند. روز سه شنبه رای بدهند و بر گردند که بتوانند روز چهارشنبه که روز بازار مواد غذایی بود به بازار بروند.

Kabobi
 ORIGINAL KABOBS & MORE
 At Cabtree Mall
 919-649-6666
 We Cater Gourmet Food
FLAME KABOB
 At Brier Creek

CILANTRO
 MEDITERRANEAN GRILL
 پذیرایی درجستها با غذاهای ایرانی از بهترین مواد
 30% OFF DINNER FOR 2
 M-F 11am - 8pm Sat 11-7pm Closed Sunday
 5400 S Miami Blvd, Durham cilantrogrillonline.com
 Valid until 2/29/2013

Shahla Rezvani
 Realtor®, BROKER, GRI
 Coldwell Banker
 Howard Perry & Walston
 For Over 19 Years! Why not work with the best?
 Office: (919) 960-6302
 Fax (919) 313-9849
 Email: rezvanis@hpw.com
 Websites:
 www.Shahla.com
 www.ShahlaRezvani.com



فکاهی

یک روز یک آقای نشسته بود و روزنامه می خوند که یهو زنش با ماهی تابه می کوبه تو سرش.

مرده میگه : برای چی این کارو کردی؟

زنش جواب میده: به خاطر این زدمت که تو جیب شلوارت یه کاغذ پیدا کردم که توش اسم سامانتا نوشته بود.

مرده میگه: وقتی هفته پیش برای تماشای مسابقه اسب دوانی رفته بودم اسبی که روش شرط بندی کردم اسمش سامانتا بود.

زنش معذرت خواهی میکنه و میره به کارهای خونه برسه.

سه روز بعدش مرده داشت تلویزیون تماشا می کرد که زنش این بار با یک قابلمه بزرگ دو باره می کوبه تو سرش.

مرده وقتی به خودش میاد می پرسه:

چرا منو زدی؟

زنش جواب میده: آخه اسبت زنگ زده بود.

MOHAMMADI CHIROPRACTIC CLINIC
 DR. ZAHRA MOHAMMADI
 Chiropractor & Licensed Acupuncturist
 t: 919.389.6513
 www.mohammadichiropractic.com

A Comparison: Banan and Shajarian

By: Shahram Mazhari

In response to a question to compare Banan with Shajarian, two of the most important Iranian vocalists in recent times, Shahram Mazhari a talented musician residing in Rock Hill South Carolina, says:

- The dynamic range of Ostaad Shahjarian's voice is more than ravaanshaad Banan's. This means that the difference between the bass (bam) and treble (zeer) parts of Shajarian's voice is wider. This adds up to a little over three octaves (6 daang). Shajarian's style of singing ooj (the upper part of the dastgaah) is known as sheihe-ey, meaning that a large rush or emerging/striking volume of sound generated by his vocal chords explodes and pours out of his throat. This could potentially break light bulbs or shatter windows. Golpa, Shajarian, Ghamar, Taaj Esfahani, Ali Asghar Kurdestaani, etc. are among this type of vocalists.
- Banan's voice at best had 2-2 ½ daangs. There were certain parts of a dastgah ooj he could not sing. His voice, for example, could not hit the upper part of Bidaad goosheh in the dastgaah Homayoun or the upper part of Hejaaz goosheh in Abu Ata.
- Banan and Shajarian are among the very few vocalists who can sing bass (bam) very well. Not only do they sing it accurately with a lot of control, but they also sound beautiful and communicative.
- Banan's voice is mellow, smooth, delicate and peaceful. I would not characterize Banan as a baritone.
- Shajarian's voice is stronger, more powerful and forceful. This doesn't mean that his voice does not have a few of Banan's qualities.
- Zendehe yaad Banan has been known as having a better diction in poetry and lyrics while singing the avaaaz.
- All and all, the two masters are not comparable to each other. Each has his own distinct qualities, uniqueness, beauty, knowledge, experience and historic legacy.

Volumes can be written about both these vocalist but for now we suffice to the above.

Shahram Mazhari, Department Chair, Teleproduction Technology, York Technical College, Rock Hill, SC 29730

American Elections: Why November?

Why Tuesday?

Have you ever wondered why the American elections always take place in November and always on a Tuesday? The first Tuesday of November was selected by the congress in 1845 when they decided on a uniform election date for all the states. At the time, the US was an agrarian society. So the month of November was designated for elections because it was after the harvest. Tuesday was chosen because people could attend church on Sunday, travel with horse drawn carriages on Monday to the county seat, vote on Tuesday, and return home before Wednesday to make it to the market day which took place on Wednesdays in most places. Today, the United States is not an agrarian society but the tradition carries on.

ورق حکم

بار آخر من ورق را با دلم بُر می زنم ؛
بار دیگر حکم کن
اما نه بی دل، با دلت !
حکم کن ؛
حکم دل !

هر که دل دارد بیاندازد وسط ؛
تا که ما دلهایمان را رو کنیم،
دل که روی دل بیفتد عشق حاکم می شود،
پس به حکم عشق بازی می کنیم،

این دل من !
رو بکن حالا دلت را ؛

دل نداری؟
بُر بزن اندیشه ات را .. !

شناخت (Cognition)



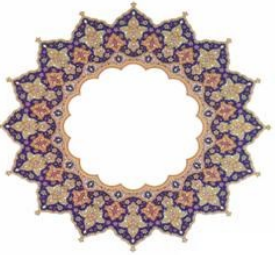
چگونه می شناسیم نا آشنا ها را در دور و برمان از ریز و کلان؟
از کوارک تا کهکشان بی کران گسترده ای ما را به کاوش و پرسش می کشاند.
گاهی می اندیشیم که دیر آمده و زود می رویم، و دریغاً گویان از فاصله ای دور
به دوایر
معرفت می نگریم!
معمای خلقت پیچیده، کوله بار دانش ما سبک، و فرصت اندک است.
شاید روزی کودکی دیگر بیلید و رازها را بگشاید...
شاید...!
از مجموعه اشعار "رؤیاتی دیگر" نوشته دکتر محمد علی بطحائی

شناخت با کنجگویی و پرسیدن شروع می شود، یعنی آغاز کودکی. در بعضی جوامع انسانی وقتی برای کودکی پرسشی پیش می آید، بزرگترها می شتابند پاسخ لازم را پیش کش کنند و به این ترتیب فرصت اندیشیدن و آزمودن را از او می گیرند. این شیوه آموزشی نه تنها به آن کودک یاری نمیدهد بلکه او را از لذت فکرکردن، یافتن، وشناختن محروم می کند. به عبارت دیگر، با چنین شیوه ای کودک از کشف کردن و اختراع کردن بازداشته می شود. در اینجا، منظور از کشف کردن و اختراع کردن کودک ساختن ماشین آخرین سیستم یا دستگاه پیچیده نیست، بلکه پروراندن کیفیتهایی مثل مقایسه کردن، تخمین زدن، اندازه گرفتن، سنجیدن، شمردن و غیره است.
کودکی را در نظر بگیرید که در کنار حوض کوچکی ناظر زنبور عسل است که با پشت روی آب افتاده و برای نجات خویش به تندی می چرخد. پیداست که کودک می خواهد زنبور را نجات دهد. شما از فاصله ای نزدیک تماشا گر این صحنه هستید. چگونه او راهنمایی یا کمک می کنید؟ آموزشی باشید که به کشف کردن کودک یاری می دهد.

روانشناس و دانشمند معروف سوئسی، ژان پیاژه (1896-1980) مراحل رشد "شناخت" را از کودکی تا حدود ۱۶-۱۷ سالگی چنین توصیف کرده:

- دوره هوش حسی- حرکتی: Sensorimotor Stage 0-2 years
- دوره پیش عملیاتی: Preoperational Stage 2-7 years
- دوره پیش مفهومی: Concrete Operational Stage 7-11 years
- دوره تفکر شهودی، عملیاتی، عملیات عینی، عملیات صوری و ذهنی (تفکر منطقی- ریاضی): Formal Operational Stage 11+

نوشته : دکتر محمد علی بطحائی



بنان و شجریان

مقایسه صدای دو خواننده بزرگ ایران

نوشته: شهرام مظهری ترجمه به فارسی: مریم طیب زاده و شهلا باقری



Department Chair, Teleproduction Technology, York Technical College, Rock Hill SC

در جواب سوالی که دو تا از مهمترین خواننده های با نفوذ تاریخ موسیقی ایران را با هم مقایسه کنیم، از نظر علمی صدای استاد شجریان و بنان را ارزیابی می کنیم .

- 1- نیروی رسائی صدای استاد شجریان بیشتر از روانشاد بنان است. به این معنی که زیر و بم صدای شجریان کمی بیشتر از شش دانگ است. سبک خواندن اوج (قسمت بالای دستگاه) شجریان را "شیهه ای" نامیده اند. یعنی نیروئی که تارهای صوتی را به ارتعاش می آورد میتواند باعث خرد کردن لامپ برق یا شکستن شیشه شود. گلپا، شجریان ، قمر، تاج اصفهانی علی اصغر کردستانی در میان این گونه خوانندگان قرار دارند.
- 2- بنان دو و نیم دانگ صدا داشت و نمی توانست قسمتی از اوج دستگاه را بخواند. مثلاً صدایش نمی توانست به قسمت بالای گوشه بیداد در دستگاه همایون و یا قسمت گوشه هجاز در دستگاه ابو عطا برسد.
- 3- بنان و شجریان هردو از تعداد کمی از خوانندگان هستند که میتوانند بم را زیبا بخوانند. خواندن بم را نه تنها فصیح و زیبا، بلکه درست و با مهارت و با احساس میخوانند .
- 4- صدای بنان دلپذیر، صاف، لطیف و آرامش بخش است. من بنان را بعنوان باریتون (دارای صدای بین بم و زیر) توصیف میکنم.
- 5- صدای شجریان قدرتمند تر، نیرومند تر و موثر تر است ولی این به این معنی نیست که صدایش فاقد بعضی از خصوصیت های صدای بنان است.
- 6- زنده یاد بنان در بیان و تفسیر شعر در خواندن آواز بهتر است.
- 7- این دو خواننده را نمیتوان با هم مقایسه کرد چون هرکدام کیفیت های مخصوص بخود را از قبیل یکنگائی، زیبایی، تجربه و میراث تاریخی در صدایشان دارند.

Be With Those Who Help Your Being

Be with those who help your being.
Don't sit with indifferent people, whose breath
comes cold out of their mouths.
Not these visible forms, your work is deeper.

A chunk of dirt thrown in the air breaks to pieces.
If you don't try to fly,
and so break yourself apart,
you will be broken open by death,
when it's too late for all you could become.

Leaves get yellow. The tree puts out fresh roots
and makes them green.
Why are you so content with a love that turns you
yellow?

Mawlana Jalaluddin Rumi

برنامه های آینده کانون

چهارشنبه سوری	19 مارس
عید نوروز	23 مارس
سیزده بدر	31 مارس
فستیوال پارسی	4 مه

ICSNC Future Events

Chahar Shanbeh souri	March 19
Nowruz	March 23
Sizdah beh-dar	March 31
Persian Festival	May 4

از اهداف اصلی او، تشویق نسل جوان ایرانی آمریکایی به شناخت هنر ایرانی، و به طور خاص، با ترکیب خط اصیل ایرانی با هنر مدرن، آوردن جلوه های بی نظیری از خوشنویسی ایرانی به زندگی ایرانیان خارج از کشور می باشد. او در این مسیر، برای شناساندن هر چه بهتر گوشه ای از فرهنگ و هنر نفیس ایرانی به جامعه غرب، دست همیاری شمارا به گرمی می فشارد. برای آشنایی بیشتر با آثار خوشنویسی او، می توانید با نشانه الکترونیکی majid@lookpersian.com تماس حاصل نمایید.

نمایشگاه خوشنویسی مجید در تاریخ سیزده فوریه تا هشت مارچ در دانشگاه دوک (برایان سنتر) بر گذار خواهد شد.

Cover: Persian Calligraphy by Majid Roohafza

Artist Biography:

Majid was born in 1977 in Iran and from the early age of nine, he was fascinated by and attracted to the enigmatic art of Persian Calligraphy. He pursued the art by serving as an apprentice in the workshops of well-known calligraphy masters in Iran. In his early twenties, Majid graduated from the Iranian Association of Calligraphers with an advanced-excellence degree and soon began developing and forming his own style.

Majid has been involved in many Calligraphy exhibits in Iran and in the United States. Since Persian Calligraphy is based on the Persian (Farsi) alphabet, and not everybody is familiar with the language, Majid has focused on introducing this magnificent art form in the realm of contemporary art and the figurative abstract to his audience globally. By so doing, Majid has succeeded in attracting many culturally diverse visitors from around the world to his Calligraphy exhibits in the United States and online Media.

Majid strongly believes that Persian Calligraphy is one of the most vivid and captivating geometrical forms ever created by man. Persian Calligraphy, practiced and nurtured for thousands of years, has taken shape and evolved on the basis of mathematical golden ratios and natural proportions. When executed by skilled performers this art work is exquisite.

Besides being an artist, Majid is also a graduate of Sharif University of Technology, in the field of Process and Petroleum Engineering, and currently works as a consultant in Energy and Chemical Industries in the US.

He believes that art is a universal language, it can cross cultural borders and bring people together regardless of their diverse backgrounds. For more information about his art work, please visit majid@lookpersian.com.

Majid Roohafza Calligraphy Exhibition

Duke University, Bryan Center

Feb 13 – March 8, 2013



شرح روی جلد: خط شکسته نستعلیق

مجید روح افزا

زندگی نامه هنری:

مجید روح افزا در سال هزار و سیصد و پنجاه و شش در بیرجند پا به دنیا گذاشت. او از نه سالگی در انجمن خوشنویسان ایران آغاز به فراگیری خوشنویسی، این هنر اصیل ایرانی کرده و پس از ۱۸ سالگی، همزمان با ادامه تحصیل در مهندسی شیمی و نفت در دانشگاه صنعتی شریف تهران، به ادامه آموزش و کسب تجربه در محضر اساتید بزرگ خوشنویسی ایران پرداخت. مجید خوشنویسی را از اساتیدی آموخت که عمرشان را صرف احیای این هنر نجیب ایرانی نموده اند. پس از فارغ التحصیلی دوره ممتاز از انجمن خوشنویسان، مجید دوران تحقیق دوره فوق ممتاز را تا به امروز صرف شناخت دقیق فضاها و زیبا نیهای بی کران در خط ایرانی کرده است.

او به دو شیوه نستعلیق و شکسته نستعلیق می نویسد، و در طول این سالها در نمایشگاه های گروهی و انفرادی متعددی در داخل و خارج از ایران شرکت داشته است؛ از جمله در دانشگاه صنعتی شریف، نگارخانه تهران، انجمن خوشنویسان، نمایش بین المللی خط و در دوران اقامت در آمریکا نمایشگاه ها و کارگاه های خوشنویسی متعددی در نگارخانه ها و مراکز دانشگاهی برگزار کرده است. او مشتاقانه به معرفی و احیای این سرمایه کهن فرهنگی در خارج از ایران مشغول است. مجید به تازگی ساکن شهر دورهام (Durham) گشته و به عنوان مهندس مشاور در صنایع انرژی فعال است.



Iranian Cultural Society of NC, P.O. Box 32217
Raleigh, NC 27622

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
RALEIGH, NC
PERMIT NO. 754

من دلم می خواهد
خانه ای داشته باشم پر دوست
کنج هر دیوارش
دوست هایم بنشینند آرام
گل بگو گل بشنو...
هر کسی می خواهد
وارد خانه پر عشق و صفایم گردد
یک سبد بوی گل سرخ
به من هدیه کند
شرط وارد گشتن
شست و شوی دلهاست
شرط آن داشتن
یک دل بی رنگ و ریاست...
بر درش برگ گلی میکوبم
روی آن با قلم سبز بهار
می نویسم ای یار
خانه ما اینجاست
تا که سهراب نپرسد دیگر
"خانه دوست کجاست؟"

What Is Autism? by Dr. Shahla Bagheri

Autism Spectrum Disorders (ASD) and autism are general terms for a group of brain development disorders.

Main symptoms of ASD are difficulties in:

Social interaction,

Verbal and nonverbal communication

Abnormal repetitive behaviors

Well known disorders in the spectrum include **autistic disorder**, pervasive developmental disorder **PDD** and **Asperger syndrome**. ASD can be associated with intellectual disability, difficulties in motor coordination and attention and physical health issues such as sleep and gastrointestinal disturbances. Some persons with ASD excel in visual skills, music, math and art.

Autism appears to have its roots in very early brain development. However, the most obvious signs and symptoms of autism tend to emerge between 2 and 3 years of age. Autism Speaks continues to fund research on effective methods for early diagnosis, as early intervention with proven behavioral therapies can improve outcomes. Center for Disease Control and Prevention (CDC) identifies 1 in 88 American children as being on the autism spectrum—a ten-fold increase in prevalence in 40 years. Careful research shows that this increase is only partly explained by improved diagnosis and awareness. Studies also show that autism is four to five times more common among boys than girls.

What Causes Autism?

First and foremost, we now know that there is no one cause of autism just as there is no one type of autism. Over the past few years, scientists have identified a number of rare gene changes, or mutations, associated with autism. A small number of these can cause autism by themselves. Most cases of autism, however, appear to be caused by a combination of autism risk genes and environmental factors influencing **early brain development**.

In the presence of a genetic predisposition to autism, a number of non-genetic, or "environmental," stressors seem to increase a child's risk of developing autism. The clearest evidence of these autism risk factors involves events before and during birth. They include **advanced parental age** at time of conception (both mom and dad), **maternal illness during pregnancy** and certain **difficulties during birth**, particularly those involving periods of oxygen deprivation to the baby's brain. It is important to keep in mind that these factors, by themselves, do not cause autism. Rather, in combination with genetic risk factors, they appear to modestly increase risk.

A growing body of research suggests that a woman can reduce her risk of having a child with autism by taking prenatal vitamins containing folic acid and/or eating a diet rich in folic acid (at least 600 mcg a day) during the months before and after conception. Increasingly, researchers are looking at the role of the immune system in autism. Autism Speaks is working to increase awareness and investigation of these and other issues, where further research has the potential to improve the lives of those who struggle with autism. This information was obtained from www.autismspeaks.org

Iranian Cultural Society Of NC
Proudly Presents The Third Annual
Persian Festival

**Saturday
May 4th, 2013
11:00 AM - 9:00 PM**

Kerr Scott Building,
State Fairgrounds

**1025 Blue Ridge
Road**

ICSNC

**Persian
Festival of
North Carolina**

www.NCPersianFestival.com


**Farzad
Financial Services**

Investment - Retirement - Insurance
Farzad Khoshnoodi

Web: FarzadFinancial.com
Phone: 919-806-4669
Cell: 919-949-3814
email: farzad@farzadfinancial.com